

**بررسی نقش رفتار دانشی شهروندی در  
پیشگیری از قاچاق کالا و ارز  
(مطالعه موردی: مؤلفه ها و شاخص های کلیدی  
رفتار دانشی شهروندان استان کردستان)**

علیرضا برازی<sup>۱</sup> abarazi@yahoo.com

علی مویدی خرم آبادی<sup>۲</sup> a.khoram1345@gmail.com

عبدالله هندیانی<sup>۳</sup> hendiani.s1343@gmail.com

فرید مصباحی<sup>۴</sup> faridmesbahi@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۳/۱۹

### چکیده

در طی چند دهه اخیر رویکرد توسعه شهر مبتنی بر دانش مورد توجه جدی قرار گرفته و موضوع تحقیقات زیادی بوده است. الگوی توسعه‌ای آتی، آینده اقتصادی شهرها و مناطق شهری را منوط به ظرفیت جذب، ایجاد، حفظ و پرورش خلاقیت، دانش و نوآوری شهرها می‌داند. براین اساس شهرهای دانش بعنوان ماشین‌های رشد دانش و فرهنگ هستند، که یک ترکیب غنی و پویا از ثنوری و عمل را در داخل مرزهای خود شکل می‌دهند و توسط کارکنان دانشی و بوسیله تولید دانش قوی اداره می‌شوند. این کارگران دانشی چگونه می‌توانند در ارتقاء و توسعه دانشی شهر نقش داشته باشند، نیازمند مطالعه رفتار و شناخت ویژگی‌های رفتاری آنهاست که به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر که با هدف تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان و نقش یادگیری رفتار دانشی در پیشگیری از قاچاق

۱. دکترای مدیریت منابع انسانی و مدرس دانشگاه

۲. دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی دانش، دانشگاه دفاع ملی

۳. دکترای مدیریت، دانشیار دانشکده مدیریت اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۴. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

کالا و ارز تهیه شده است، یک تحقیق کاربردی است که به دو روش کمی و کیفی انجام شده است. در بخش کیفی، نظر خبرگان، در مقوله مورد مطالعه با استفاده از تکنیک دلفی گردآوری و پس از جرح و تعدیل و تعیین اعتبار محتوا و پایایی با استفاده از تکنیک اعتبار سازه و رویکرد تحلیل عاملی، نتیجه در قالب پرسشنامه نهایی تهیه و مورد استفاده قرار گرفت.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل اساتید و کارکنان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، پژوهشی استان کردستان بود. از میان آن تعداد، ۳۸۴ نفر نمونه آماری به روش تصادفی ساده انتخاب شد. اطلاعات بدست آمده با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و مدل یابی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت. بر اساس یافته‌های تحقیق تعداد ۸ مؤلفه و ۳۰ شاخص کلیدی رفتار دانشی مشخص گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد پیشینه تاریخی، یادگیری مستمر، شرایط اقتصادی و اجتماعی، تعامل داخلی، سلامت و بهداشت فردی، مشارکت، تعهدات محیطی و کارآفرینی به عنوان اولویت مؤلفه‌های کلیدی می‌بایست در نظر گرفته شوند. همچنین آگاهی از کمیت و کیفیت تبادل کالا و خدمات شهر، آگاهی از شاخص‌های سلامت اجتماعی، شناخت مهارت‌های زندگی، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی شهر و آگاهی از رفتارهای مشکل آفرین و فسادآور در جامعه، آشنایی با سودمندی‌های بازیافت، آگاهی از شاخص‌های محیط زندگی سالم، آگاهی از شکل‌های مختلف انرژی، داشتن آگاهی اجتماعی و روحیه مشارکت و آگاهی از شاخص‌های سلامت عاطفی و شغلی به عنوان اولویت شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان تبیین گردید.

**واژگان کلیدی:** شهروند دانش مدار، شهر دانش، بلوغ دانشی، رفتار دانشی

## ۱. مقدمه

مباحث مربوط به توسعه قاچاق کالا در دهه‌های اخیر و اهمیت پرداختن به آن، از جمله مباحث پر تیراژ و گفتمان‌های پر طرفدار رسانه‌ها، مجامع علمی و حتی مباحث عامه مردم در صفحات اجتماعی و مراودات روزمره آنهاست. از این رو بر کسی نیز پوشیده نیست که چگونه توسعه این آسیب تمامی لایه‌های زندگی اجتماعی را از خرد تا کلان متأثر ساخته و بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع چنبره انداخته و خود نه تنها به‌عنوان یک بحران مطرح است بلکه زمینه ساز سایر بحران‌ها نیز به شمار می‌آید (رحیمی و افرامن، ۱۳۹۳).

هرچند این آسیب یکی از متولیان اصلی بحران‌های اجتماعی است و دولت‌مردان و شهروندان را نگران و حیات اجتماعی را با مشکل مواجه ساخته، اما برای عده‌ای ابزار ارزنده کسب سود (سیاسی، اقتصادی و...) و بازار مالی فوق العاده‌ای به حساب می‌آید که نهایت بهره‌مندی را از آن داشته و دارند (اصلانی، ۹۴).

امروزه بحث درباره اجتماعی شدن مبارزه با قاچاق مطرح است. سوای هرگونه برداشت درباره فعالیت‌های صورت گرفته در زمینه مقابله با این پدیده و به چالش کشیدن نواقص آن، می‌توان گفت به این باور رسیده‌ایم که بدون مشارکت مردم، توان و یارای مقابله با این مسایل و مشکلات وجود ندارد. به نظر می‌رسد باید بخشی از فعالیت‌های غیرحاکمیتی به مردم واگذار شود. هر چند موضوع مشارکت اجتماعی در این حوزه به صور مختلف در ادوار پیشین مورد توجه بوده است اما نتایج مناسبی عاید نشده‌است. چرایی این موضوع و ذکر چالش‌های آن از این مقوله خارج است اما برخی از دلایل عدم موفقیت در این بخش را می‌توان اینگونه برشمرد:

- عدم اطلاعات در مورد استراتژی‌های توسعه مشارکت اجتماعی
- عدم اعتماد و اطمینان در مورد روندها
- بسنده کردن به کمپین اطلاعات عمومی به جای فعالیت‌های مشارکتی
- عدم تلاش برای ایجاد سیستم مشارکت مداوم شهروندان، نظارت و دریافت بازخورد منظم.
- فرایندهای ارتباطی ناقص و ناکارآمد.

- عدم استفاده منظم از رویکردهای مشارکتی و رسانه‌ای، برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و دانش و تقویت گفتگو که منجر به اجماع و عمل شود.
- و مهم‌تر از همه و قبل از ورود به حوزه فعالیت‌های مشارکتی، یادگیری رفتار دانشی شهروندی است که اگر آموخته نشود عملاً انتظار مشارکت داشتن در فعالیت‌های اجتماعی بی‌فایده است.

شهروندان تمایل دارند در پروژه‌های اجتماعی، بدون هیچ چشم‌داشتی، مشارکت داشته باشند، دوست دارند دیده شوند و فعالیت‌های آنها مورد نقد صحیح و عادلانه قرار گیرد. همچنین تمایل دارند دانش و تجربیات آنها در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار گیرد (گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۵). این موضوع اغلب نادیده گرفته می‌شود. این مساله باعث ناامیدی شهروندان و نهایتاً عدم احساس تعلق و تعهد آنانگشته و موجب فاصله گرفتن شهروندان از دولت می‌شود. فاصله گرفتن شهروندان به‌ویژه شهروندان دانشی از تصمیم‌گیران، یعنی از دست دادن بخش عظیمی از دانش و سرمایه فکری و دانشی است که می‌تواند فرایندها و روندها و... را تحت‌تاثیر قرار دهد. آنچه در این مقاله مورد مطالعه بررسی قرار می‌گیرد رفتار دانش شهروندی شهروندان است که به‌عنوان موضوعی نوپا مورد توجه قرار گرفته و چگونگی بهره‌گیری از آن در پیشگیری از قاچاق مد نظر می‌باشد. امروزه مدیریت دانش به رویکرد مدیریت راهبردی تکامل پیدا کرده، که نه تنها در جهان تجارت بلکه در سایر حوزه‌ها همچون آموزش و پرورش، بهداشت و سلامت، سیاست و... نیز کاربرد دارد. اکثر سازمان‌های بین‌المللی همچون کمیسیون اروپایی (۲۰۰۰)، بانک جهانی (۱۹۹۸)، سازمان ملل متحد (۲۰۰۱) و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۰۱) و... چارچوب‌های مدیریت دانش را در دستورالعمل‌های راهبردی در راستای توسعه جهانی به کار گرفته‌اند. این موضوع با توجه به توسعه جهانی بطور واضح نشان‌گر پیوند جدیدی میان مدیریت دانش و توسعه دانش محور می‌باشد. این پیوند جدید، فضای مناسبی را برای ظهور مفهوم جدیدی به نام "شهر دانش" ایجاد نموده است (کاریلو، ۱۳۹۰). این مفهوم نوپدید، بسیار گسترده بوده و

می‌تواند تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک شهر را در بر گیرد و هدف اصلی آن نیز توسعه (پایدار) مبتنی بر دانش است که از طریق ترغیب مداوم افراد جامعه به خلق، تسهیم، ارزیابی و به روز کردن دانش صورت می‌گیرد (ملک زاده، ایگیت کانلار، ۲۰۱۰).

ایگیت کانلار (۲۰۱۳) در مطالعه چارچوب مفهومی توسعه شهر دانش محور بر پایه تئوری‌های موجود، «شهروندان» را به عنوان نیرو و موتور اصلی در توسعه و توسعه انسان محور مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. گولد برگ<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) اعتقاد دارد که شهری که می‌خواهد به سوی شهر دانش محور حرکت نماید، باید ساکنین خود را برای تبدیل شدن به شهروندان دانشی توانمند سازد. لذا به منظور پرورش و آموزش چنین شهروندانی باید سیاست‌ها و یا استراتژی‌هایی تدوین گردند تا حصول توسعه در بستر شهر دانش محور محقق گردد. براین اساس برای شهرهای مدعی پیوستن به مجموعه شهرهای دانش ضرورت دارد از توانائی دانشی شهروندان خود در مسیر حرکت به سمت تبدیل شدن به شهر دانش محور آگاه گردند. چرا که شهروندان دانشی کلید اصلی تعریف شهر دانش محور به حساب می‌آیند و تحقق رشد و توسعه بدون توجه به توسعه دانشی شهروندان به عنوان سرمایه‌های انسانی شهر امکان پذیر نخواهد بود.

ارگازاکیس و ساراس (۲۰۰۴) براین باورند که شهروندان دانشی، نوآوری پویایی و اقتصاد پایدار شهری را رقم می‌زنند و در مقابل شهر دانشی نیز به شهروندان خود این امکان را می‌دهد تا در توانایی‌های جدید و ظرفیت‌های نو رشد کنند و به قول مارتینز (۲۰۰۶) پتانسیل‌های فردی خود را از طریق ایجاد پویایی فردی در بطن اجتماع به کمال برسانند. اگر شهروندان یک شهر، دانش محور باشند، می‌توانند در اقتصاد جهانی رقابت کنند. به واسطه بهبود و رشد عملکرد آنان به عنوان عضوی از اجتماع همبستگی اجتماعی افزایش یافته و نرخ و شیوع جرم نیز کاهش می‌یابد و توزیع درآمد در اجتماع نیز بهبود خواهد یافت (گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۵). با تاکید بیشتر بر حفظ و توسعه چنین شهروندانی است که می‌توان در بالاترین نقطه اقتصاد جهانی جای گرفت

و در واقع این شاخص، کلیدی برای رشد اقتصادی جوامع محسوب می‌شود و در محیط متغیر و شدیداً رقابتی امروزی با کمک این عامل خلاق و نوآور است که می‌توان به مزیت رقابتی پایدار دست یافت.

با مطالعه پیشینه تاریخی این مفهوم و با توجه به دیدگاه‌های موجود در این زمینه می‌توان دریافت که نقش یادگیری رفتار دانشی شهروندی و بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی شهروندان می‌تواند در پیشگیری آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از جمله پیشگیری از قاچاق کالا نقش قابل توجهی داشته باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد مطالعه و بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان و تعیین اولویت‌های این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، کمک می‌کند تا فرصت‌های مناسبی در راستای دستیابی به اهداف توسعه فراهم گردد، بر این اساس شهروندان، مشارکت و نقش بیشتری در فعالیتهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌یابند. همچنین شناسایی و تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های رفتار دانشی شهروندان بواسطه رشد و توسعه صلاحیت‌ها و شایستگی‌های رفتار دانشی آنان، توسعه مهارت و تخصص‌های آنان را در پی داشته و نهایتاً منجر به رشد سرمایه فکری می‌گردد. این امر همچنین به دسترسی مؤثر، قابل اعتماد و رقابت پذیر شهروندان به زیرساخت‌های حمل و نقل فردی، کالایی، اطلاعاتی و ... کمک خواهد کرد و در سایه وجود چنین شهروندانی بخش بزرگی از مشکلات پیش روی جامعه کنونی برداشته خواهد شد. کمک به افزایش سرعت و اخذ و جذب تکنولوژی‌های پیشرو و ترغیب به انجام مبادلات هوشمند را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. همچنین توسعه رفتار دانشی شهروندان به سرریز شدن دانش در تمام بخش‌های جامعه بواسطه توسعه و رشد دسترسی پذیری شهروندان به دانش، کمک قابل توجهی می‌نماید که خود کاهش خطای انسانی در فعالیتهای اجتماعی را به دنبال دارد.

کشور ایران نیز، در راستای دستیابی به توسعه پایدار و تحقق برنامه‌های سند چشم‌انداز و در راستای فرامین مقام معظم رهبری در خصوص دانش محور نمودن فعالیت‌ها، ضرورت دارد توجه بیشتری به حوزه شهروندان به عنوان منابع و سرمایه انسانی و موتور محرک توسعه نماید و پیش از هر وضعیتی، از توانایی و قابلیت‌های

دانشی شهروندان خود استفاده نموده و فراتر از فرایند رشد مستمر، نگرش، مهارت و دانش را مورد توجه قرار دهد. بر این اساس، این تحقیق که مشارکت شهروندان را به عنوان رویکردی نوین در حوزه پیشگیری از قاچاق مورد توجه قرار داده است، قصد دارد ضمن شناسایی و تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان در راستای الزامات شهر دانش محور، با مطالعه دیدگاه‌ها و نظریات موجود به این سوال پاسخ می‌گوید که: مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان کدامند؟ اولویت مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان کدامند؟ جهت پاسخگویی به این سوالات در ادامه ضمن تبیین مفهوم رفتار دانشی شهروندان، چگونگی تهیه پروفایل ویژگی‌های رفتار دانشی و تعیین اولویت‌های کلیدی مؤلفه‌ها و شاخص‌های رفتار دانشی شهروندان ۳۱ استان ایران (در این مقاله استان کردستان) بر اساس یافته‌های تحقیق ارایه می‌گردد.

## ۲. چارچوب نظری

### ۲-۱. تبیین مفهوم شهروند دانش محور

بدون شک رابطه گسترده‌ای بین شهروند و شهر وجود دارد و می‌توان اذعان نمود که بین توسعه شهر و سرمایه انسانی نیز رابطه قوی‌تری وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت شهروندان کلید اصلی تعریف شهر دانش به حساب می‌آیند. به عبارتی دیگر تحقق رشد و توسعه بدون توجه به توسعه دانشی شهروندان بعنوان سرمایه‌های انسانی شهر امکان پذیر نخواهد بود. چرا که رفتار دانشی شهروندان، نیروی محرکه حرکت ماشین اجتماعی شهر است و به عنوان رفتار مطلوب یک شهروند تلقی می‌گردد. رفتار دانشی شهروندان، مشارکت آنان را در تمامی برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... شهر فراهم می‌سازد (ساتان، ۲۰۰۸). این رفتارها در واقع رفتارهایی خودانگیخته، همکارانه و حمایتی است و رضایت و خشنودی شهروندان را در مقابل ادای دین آنان به مسئولیت‌های اجتماعی در پی خواهد داشت (مارتینز، ۲۰۱۰). بر این اساس مفهوم «شهروند دانشی» به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در توسعه دانش محور مورد توجه قرار گرفته و به تدریج در ادبیات توسعه دانشی شهر وارد شده است.

توجه به این مفهوم بر پایه یک نگاه سیستماتیک از سرمایه اجتماعی — ارتباطی است که ریشه آن منبعث از پژوهش‌های نسل سوم مدیریت دانش است. در مقایسه با نسل‌های پیشین مدیریت دانش، نسل سوم به خاطر سیستماتیک بودن و تجزیه و تحلیل تحولات اجتماعی به طور قابل توجهی برجسته‌تر است. این نسل مدیریت دانش، آموزش را به عنوان فاکتور اصلی تشخیص جامعه دانشی از جامعه اطلاعاتی مورد تاکید قرار می‌دهد (گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳). برخی از تعاریف و دیدگاه‌ها در خصوص رفتار دانشی شهروندی در جدول شماره ۱ مورد اشاره قرار گرفته است:

#### جدول ۱. تعاریف و دیدگاهها در خصوص رفتار دانش شهروندی

محقق	دیدگاه در خصوص رفتار دانشی شهروندی
اسمیت و مک کین (۲۰۰۳)	طبقه‌بندی رفتار دانشی شهروندان در سه سطح رفتار اشتراک دانش، مدیریت دانش فردی، یادگیری مستمر (مادام‌العمر)
هوسپرز <sup>۷</sup> (۲۰۰۳)	ذکر ویژگی‌های رفتار دانش شهروندی شامل: محقق بودن دقیق بودن، مقاوم و پیگیر مسیرهای مختلف برای یافتن راه‌حل‌های مختلف بودن
لانگ ورث <sup>۸</sup> (۲۰۰۳)	ضرورت نیاز به توسعه فنون و مهارت‌های رهبری و مدیریت برای شهروندان دانشی
کاریلو (۲۰۰۶)	تأکید بر داشتن دانش و توانایی دیجیتالی شهروندان برای اداره دانش شهر
مارتینز (۲۰۰۶)	توجه ویژگی‌های اصلی شهروندان دانشی شامل «داشتن قابلیت‌های مسئولیت مدنی، تحمل، همبستگی و خود انگیزشی
ساتان <sup>۹</sup> (۲۰۰۸)	شناخت شهروند دانش محور به وسیله فرهنگ اشتراک دانش و رضایتمندی از مشارکت در آموزش مستمر به عنوان کلید اصلی این چالش
مارتینز (۲۰۱۰)	تاکید بر رفتار دانشی شهروندی به عنوان عامل سازنده و توسعه دهنده ارتباط، مشارکت شهروندان در مدیریت دانش شهر با

۷. Hospers

۸. Longworth

۹. Sutton



دیدگاه در خصوص رفتار دانشی شهروندی	محقق
بهره‌گیری از مجموعه مهارت‌های فردی	
شهروند دانشی را کسی می‌داند که با فناوری آشناست، استعدادها را می‌شناسد و دارای تحمل و بردباری است.	پنکو <sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱)
تأکید بر رفتار مشارکت شهروندان به عنوان یک فاکتور اساسی در تحولات اجتماعی، تصمیمات حکومتی و توسعه اجتماعی شهر	گارسیا و مارتینز <sup>۱۱</sup> (۲۰۱۳) گونزالس <sup>۱۲</sup> ، ویلهلمی <sup>۱۳</sup> ، کوازوس <sup>۱۴</sup> و مارتینز <sup>۱۵</sup> (۲۰۱۳)
تأکید بر ضرورت داشتن دانش و مهارت برای زندگی شهروندان در جوامع ارتباطی دانش محور	آیسین و نایرز <sup>۱۶</sup> (۲۰۱۴)
تأکید بر مهارت‌ها و اولویت‌های رفتار شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان شامل: یادگیری تفکر انتقادی، مهارت‌های شغلی، مسئولیت‌پذیری، مهارت اداره زندگی، مهارت تصمیم‌گیری، مهارت فناوری اطلاعات، شناخت خویشتن، مقابله با اضطراب و هیجان، ارتباط اجتماعی، مهارت حل مسأله، نظم و قانون‌مداری و حفظ بهداشت روانی و جسمی، ...	خلیفه (۱۳۹۰)
تأکید بر ارتباط دوسویه بین «شهروندان – مدیران شهری» و موثر بودن عملکرد مدیریت شهری در تحقق الگوی شهروندمداری تأکید بر تقویت توان مشارکتی شهروندان از طریق آموزش فراگیر شهروندان	صمیمیان و کرکه‌آبادی (۱۳۹۳)
توجه به رفتار دانشی شهروندان جهت نیل به اهداف توسعه پایدار	ماجدی (۱۳۹۴)، نوابخش و ثابتی (۱۳۹۴)

با توجه به این تعاریف و همچنین دیدگاه مارتین (۲۰۰۶) کشورها و دولت‌ها نیازمند شهروندانی هستند که دانشی بوده و در فعالیت‌هایی مشغول باشند که برای

۱۰. Penco

۱۱. Garcia and Martinez

۱۲. Gonzales

۱۳. Wilhelmy

۱۴. Cavazos

۱۵. Martinez

۱۶. Isin & Nyers

اقتصاد، سیاست و اجتماع کشورشان سودمند باشد. در ترویج اصول مربوط به شهروند دانشی، باید به اصولی اشاره کرد که به طور قابل توجهی بر روی رفتار یک شهروند متوسط تاثیر بگذارد به گونه‌ای که این شهروند خود را در اداره کشور درگیر کند و از حقوق و مسئولیت‌های خود مطلع گردد. یک شهروند دانشی و مطلع باید:

۱. بطور کافی با دانش تجهیز شود و قانون اساسی کشورش را بشناسد و با موسساتی که دولت دموکراتیک را تقویت می‌کند، کار کند.

۲. مهارت و مشارکت مدام در یادگیری مستمر را که در فعالیتهای یادگیری بکار گرفته می‌شود، افزایش دهد، به گونه‌ای که مهارت‌های اطلاعاتی و تفکر انتقادی را توسعه و بهبود بخشد.

۳. دارای نفوذ بر روی تصمیمات سیاسی باشد و بتواند از پاسخگویی و شفافیت حمایت کند.

۴. در دولت پاسخگو برای تصمیمات، نمایندگانی داشته باشد.

۵. از حقوقی که مرتبط به آنهاست به عنوان شهروند، لذت ببرند.

۶. وظایفی را که از آنها انتظار می‌رود، با رضایت انجام دهند.

۷. مسئولیت‌های شخصی خود را در قبال وظایف شهروندی شامل انضباط شخصی، نزاکت و تربیت، ترحم و تحمل و ... انجام دهند.

## ۲-۲. دستیابی به پروفایل ویژگی‌های رفتار دانشی شهروندان

جهت دستیابی به پروفایل ویژگی‌ها و صلاحیت‌های رفتار دانشی شهروندان، ضرورت دارد در گام اول محتوای الگوهای مربوط به صلاحیت‌ها و شایستگی‌های شهروندان دانشی مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس پروفایل مقدماتی ارائه می‌شود. طبقه بندی‌هایی که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند مبنای تهیه پروفایلی از ویژگی‌های شهروندان در مباحث بعدی این تحقیق است. این طبقه بندی‌ها مستقیماً از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های شغلی برگرفته شده است. موسسه سنترفر<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۵) نوعی از

طبقه‌بندی را ارایه می‌دهد که خود برگرفته از مطالعات یک مؤسسه مکزیکی بنام مؤسسه استاندارد سازی و گواهی صلاحیت<sup>۱۸</sup> است. در این طبقه‌بندی به بررسی سه نوع شایستگی یا استعداد پرداخته می‌شود. نوع اول شایستگی‌های اصلی یا رفتار اولیه لازم برای هر شغل است. نوع دوم مربوط به شایستگی‌ها و صلاحیت‌های عمومی است یعنی عملکردهایی که برای مشاغل مختلف قابل استفاده بوده و نیازمند یک شاخصه مدرک تحصیلی است و به یک فعالیت خاص مربوط است. نوع سوم شامل صلاحیت‌ها و شایستگی‌های خاصی است که به عملکرد انجام شده در هر زمینه شغلی و تخصصی دقیق ارتباط دارد.

طرح بررسی و مطالعه توسعه و انتخاب صلاحیت‌های کلیدی (که به نام دسکو<sup>۱۹</sup> معروف است) برای طبقه‌بندی صلاحیت‌ها، سه ویژگی یا سه شرط اساسی و به هم مرتبط را پیشنهاد می‌کند که عبارتند از: اقدام مستقل، استفاده از ابزارها به طور متقابل و تعاملی، فعالیت در گروه‌های اجتماعی.

پروژه آموزش شهروند دمکراتیک<sup>۲۰</sup> نیز شایستگی‌ها و صلاحیت‌های شهروند دانشی را در سه گروه شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی که جنبه شناختی دارند، شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی که جنبه احساسی و عاطفی دارند و شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی که با انجام عمل یا اقدام ارتباط دارند، شامل طبقه‌بندی می‌کند:

یکی دیگر از طبقه‌بندی‌های مربوط به صلاحیت‌ها و شایستگی‌های شهروندان دانشی، طبقه‌بندی مربوط به «شایستگی‌های کودکان در مدارس» کلمبیا است. این طبقه‌بندی سه گروه عمده از صلاحیت‌ها را شامل شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها برای زندگی مسالمت آمیز، شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها برای مشارکت و مسئولیت مدنی، شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها برای تنوع، هویت و ارزیابی تفاوت‌ها تفکیک و به نمایش می‌گذارد.

هر کدام از این سه گروه خود در برگیرنده پنج بخش از شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها هستند که شاکله رفتار دانشی یک شهروند را تشکیل می‌دهند. علاوه بر موارد فوق،

۱۸. CONOCER

۱۹. DeSeCo (Development and Selection of Key Competences study)

۲۰. EDC

کمیسیون بین المللی آموزش نیز طرح طبقه‌بندی صلاحیت‌های رفتار شهروند دانشی را ارائه نموده است و بر اساس آن یک بنیاد چهار وجهی «یادگیری» را برای طبقه‌بندی شایستگی‌ها و صلاحیت‌های رفتار شهروند دانشی مورد توجه قرار داده است. این چهار وجه بیان‌کننده مواردی همچون «یادگیری برای دانستن و آگاهی، یادگیری برای انجام دادن کارها، یادگیری برای زندگی مشترک و یادگیری برای بودن» می‌باشد.

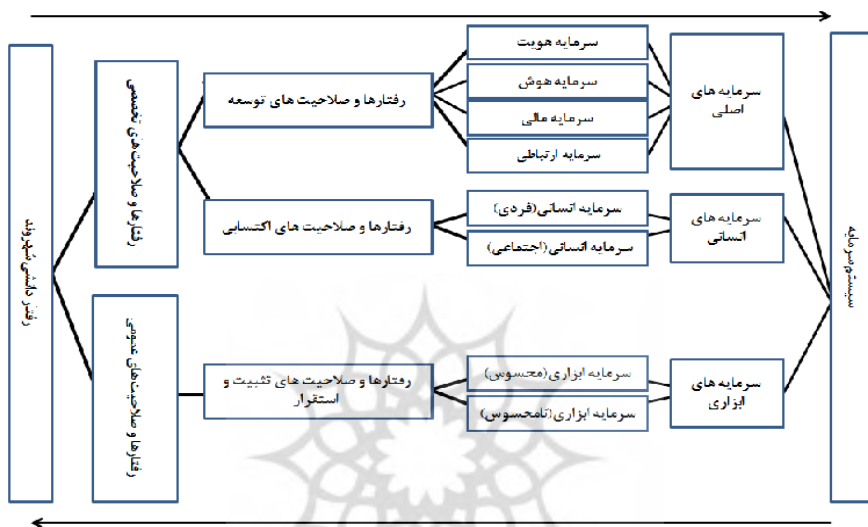
### ۲-۳. سیستم سرمایه و تحلیل ابعاد رفتار دانشی شهروندان

مدل سرمایه، شهر را به عنوان یک سیستم سرمایه می‌بیند. یک سیستم سرمایه شامل کلیه اشکال ارزش اجتماعی است و دارایی‌های مشهود و نامشهود را در بر می‌گیرد. کاریلو (۲۰۰۸) بر این باور است که به واسطه وجود انواع مختلف دانش (موضوع، جریان و محیط) یک شهر، رویکردها و روش‌های مختلفی وجود دارند. پارامترهایی که دانش را مشخص می‌کنند، شهر را در موقعیت شهر دانش قرار می‌دهند. کاریلو از رویکرد توسعه دانش محور نشان داده است که ایجاد استراتژی یک شهر دانش، شامل مشخص کردن سیستم ارزشی است که طبق آن شهر به اجرای عملیات می‌پردازد، ابعاد مهم سیستم را مشخص می‌کند (دانش اصلی) و این ابعاد را به سیستمی تبدیل می‌کند که موجب اجرایی و عملیاتی شدن آن می‌شود (شاخص‌ها، سیاست‌ها و ...).

به منظور بهره‌گیری از چارچوب نظری سیستم سرمایه در این تحقیق از طرح طبقه‌بندی سرمایه «مک سی<sup>۲۱</sup>» استفاده شده است. این چهار چوب در واقع مبتنی بر یک مدل اقتصاد دانشی است که شامل ارزیابی ارزش محور است که بر اساس آن توسعه آینده شهر از طریق ترکیب و یا تبادل سرمایه‌های موجود، چه سنتی و چه دانش محور، امکان‌پذیر می‌گردد. در سیستم سرمایه، به سه نوع سرمایه کلی اشاره شده است. سرمایه‌های اصلی (بزرگ)، سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های ابزاری. ذیل هر کدام از این سرمایه‌ها دو نوع سرمایه قرار می‌گیرد که در هر کدام، ابعاد اصلی سرمایه‌ها (۸ بعد) مورد اشاره قرار گرفته است. هر کدام از ویژگی‌های ارزشی شهر در یکی از این ابعاد سرمایه‌ای قرار می‌گیرند. این هشت بعد از سرمایه عبارتند از (مک سی، ۲۰۱۳):

۲۱. MAKCI(Most Admired Knowledge City)

۴) : سرمایه هویت<sup>۲۲</sup>، سرمایه هوش<sup>۲۳</sup>، سرمایه مالی<sup>۲۴</sup>، سرمایه ارتباطی (رابطه ای)<sup>۲۵</sup>، سرمایه انسانی<sup>۲۶</sup> (بعد فردی)، سرمایه انسانی<sup>۲۷</sup> (بعد اجتماعی)، سرمایه ابزاری<sup>۲۸</sup> (ملموس)، سرمایه ابزاری<sup>۲۹</sup> (ناملموس). (شکل ۱)



شکل ۱. مدل مفهومی سیستم سرمایه برگرفته از مدل مک‌سی (۲۰۱۳)

در ادامه به منظور تهیه پروفایل ویژگی‌های رفتار دانشی شهروندان بر اساس سیستم سرمایه، ابتدا نسبت به احصاء ویژگی‌ها و صلاحیت‌های رفتار دانشی شهروندان اقدام گردید. به همین منظور در گام اول بر اساس مستندات و پیشینه تحقیق،

- ۲۲. Identity Capital
- ۲۳. Intelligence Capital
- ۲۴. Financial Capital
- ۲۵. Relational Capital
- ۲۶. Human Individual Capital
- ۲۷. Human Collective Capital
- ۲۸. Instrumental – Material Capital
- ۲۹. Instrumental – Knowledge Capital

ویژگی‌ها استخراج و در گام بعدی در ابعاد مختلف سیستم سرمایه قرار گرفت و در نهایت بر اساس موارد مذکور نسبت به تهیه پروفایل و چک لیست ابعاد و مؤلفه‌های رفتار دانشی شهروندان اقدام شد.

## ۲-۴. تلفیق ویژگی‌ها در سیستم سرمایه و اقدام به تهیه پروفایل

با توجه به مطالب مذکور و تحقیقات مختلفی که در زمینه رفتار دانشی شهروندی صورت گرفته است، ویژگی‌ها و صلاحیت‌های شهروند دانشی مورد تاکید، دارای گستردگی زیادی است. بنابراین ضرورت داشت نسبت به طبقه‌بندی آنها اقدام شود. برای ارایه یک طرح طبقه‌بندی در خصوص ویژگی‌های رفتار دانشی شهروند، باید بر اساس سیستم ارزشی حاکم بر شهر دانش محور اقدام گردد. یعنی ابتدا سیستم ارزشی شهر دانش محور مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و سپس بر اساس مؤلفه‌های موجود در سیستم ارزشی (سیستم سرمایه) مؤلفه‌های رفتار دانشی شهروندان تدوین گردد. بنابراین در ادامه ویژگی‌های بدست آمده از مطالعات صورت گرفته در قالب پروفایلی تلفیق و تنظیم شد، در هر بعد از سرمایه‌های شهر به تفکیک مورد اشاره قرار گرفته است.

## جدول ۲. ویژگی‌های برجسته شهروند دانشی از دیدگاه محققین

ردیف	متغیر	محقق
۱	آگاهی	(هوسپرز، ۲۰۰۳؛ کوری و ویلسون، ۲۰۰۶) (اسمعیلی، میردامادی و حسینی، ۱۳۹۲؛ ویسی، هادی، زرندیان و اردوان، ۱۳۹۱)
۲	آگاهی از حقوق شهروندی	(اسکولز و همکاران، ۲۰۱۶) (قوامی فر و بیگ، ۱۳۸۷)
۳	ارتباطات	(رمی، ۱۹۸۰؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵) (خدارحم، بزی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۹)
۴	ارزیابی خود	(کاریلو، ۲۰۱۰؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۵	استفاده از تکنولوژی	(هوسپرز، ۲۰۰۳) (تقی‌زاده، ذاکری و تقی‌زاده، ۱۳۹۱)

ردیف	متغیر	محقق
۶	اشتراک دانش	(رمی، ۱۹۸۰؛ ارگازاکیس و ساراس ۲۰۰۶؛ وان ویندن و همکاران، ۲۰۰۷؛ کاریلو، ۲۰۱۰؛ گونزالس و ویلهلمی، ۲۰۱۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵؛ اسکولز و همکاران، ۲۰۱۶) (قوامی فر و بیگ، ۱۳۸۷)
۷	انسجام اجتماعی	(کاریلو، ۲۰۱۰؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۸	بحث و گفتگو (مذاکره)	(گولدربرگ، پاشر و لوین ساگی، ۲۰۰۶؛ کوری و ویلسون، ۲۰۰۶)
۹	برخورداری از برابری و عدالت	(وان ویندن و همکاران، ۲۰۰۷؛ گونزالس و ویلهلمی، ۲۰۱۲)
۱۰	بهداشت و سلامت	(گونزالس و ویلهلمی، ۲۰۱۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵) (خلیفه، ۱۳۹۰؛ ویسی، زرندیان و اردوان، ۱۳۹۱)
۱۱	تحمل پذیری	(ارگازاکیس و ساراس، ۲۰۰۶؛ گونزالس و ویلهلمی، ۲۰۱۲؛ یاگیت کانلار و سارمین، ۲۰۱۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۱۲	ترغیب علایق	(رمی، ۱۹۸۰)
۱۳	تسلط به زبان انگلیسی	(هوسپرز، ۲۰۰۳)
۱۴	تفکر انتقادی	(خلیفه، ۱۳۹۰)
۱۵	تنوع	(وان ویندن و همکاران، ۲۰۰۷؛ یاگیت کانلار و سارمین، ۲۰۱۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۱۶	توجه به فضای عمومی	(گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۱۷	توجه به فعالیت های هنری	(هوسپرز، ۲۰۰۳)
۱۸	خودانگیزی	(لوین، پاشر و گولدربرگ، ۲۰۰۶)
۱۹	داشتن دانش و سواد اطلاعاتی	(کاریلو، ۲۰۱۰؛ اسکولز و همکاران، ۲۰۱۶) (قوامی فر و بیگ، ۱۳۸۷)
۲۰	دسترسی به منابع و اطلاعات	(رمی، ۱۹۸۰؛ وان ویندن و همکاران، ۲۰۰۷؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۲۱	دقت	(هوسپرز، ۲۰۰۳)

ردیف	متغیر	محقق
۲۲	شبکه سازی	(ارگازاکیس و ساراس، ۲۰۰۶)
۲۳	عزت نفس	(کاریلو، ۲۰۱۰)
۲۴	فعالیت های اختیاری	(گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۲۵	قضاوت	(رمی، ۱۹۸۰)
۲۶	کارآفرینی	(گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۲۷	محقق بودن	(هوسپرز، ۲۰۰۳)
۲۸	مدیریت خود و دیگران	(هوسپرز، ۲۰۰۳)
۲۹	مسئولیت پذیری	(هوسپرز، ۲۰۰۳؛ لوین، پاشر و گولدرگ، ۲۰۰۶؛ یاگیت کانلار و سارمین، ۲۰۱۲؛ اسکولز و همکاران، ۲۰۱۶) (خلیفه، ۱۳۹۰؛ خوارزمی، ربانی و امیرفضلی، ۱۳۹۳؛ نوابخش و ثابتی، ۱۳۹۳)
۳۱	مشارکت اجتماعی	(رمی، ۱۹۸۰؛ ارگازاکیس و ساراس، ۲۰۰۶؛ یاگیت کانلار و سارمین، ۲۰۱۲؛ گونزالس و ویلهلمی، ۲۰۱۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵؛ اسکولز و همکاران، ۲۰۱۶) (صمیمیان و کرکه آبادی، ۱۳۹۳)
۳۲	مقاومت	(هوسپرز، ۲۰۰۳)
۳۳	مهارت و خلاقیت	(رمی، ۱۹۸۰؛ هوسپرز، ۲۰۰۳؛ ارگازاکیس و ساراس، ۲۰۰۶؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳؛ اسکولز و همکاران، ۲۰۱۶) (خلیفه، ۱۳۹۰؛ خوارزمی، ربانی و امیرفضلی، ۱۳۹۳)
۳۴	همبستگی	(لوین، پاشر و گولدرگ، ۲۰۰۶؛ گونزالس و ویلهلمی، ۲۰۱۲؛ یاگیت کانلار و سارمین، ۲۰۱۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۳۵	همدلی	(هوسپرز، ۲۰۰۳)
۳۶	همکاری	(گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵)
۳۷	هویت	(اسکولز و همکاران، ۲۰۱۶)
۳۸	یادگیری مستمر و آموزش	(هوسپرز، ۲۰۰۳؛ گونزالس و ویلهلمی، ۲۰۱۲؛ گارسیا و مارتینز، ۲۰۱۳) (نوابخش و ثابتی، ۱۳۹۴؛ خوارزمی و ربانی امیرفضلی، ۱۳۹۳؛ صمیمیان و کرکه آبادی، ۱۳۹۳؛ خدارحم، بزی و اسماعیلزاده، ۱۳۹۳)



متغیر	محقق	ع.ع
	(۱۳۸۹)	

### ۳. روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی، توسعه‌ای و از نظر روش یک تحقیق توصیفی، پیمایشی می‌باشد. در این تحقیق از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در مرحله کیفی، برای تأیید شاخص‌ها و مؤلفه‌های تحقیق، ابتدا با استفاده از تکنیک دلفی چک لیست های اولیه تهیه گردید. در قالب چک لیست، سوالات و شاخص‌هایی که مبین شاخص‌های شناسایی شده مذکور هستند، طراحی گردید و برای نظرخواهی در مورد درجه تناسب و اهمیت شاخص‌ها و کسب اجماع در مورد آن‌ها، میان جامعه تخصصی یا خبرگان مورد مطالعه (۳۵ نفر و در ۴ مرحله) توزیع شد. در گام اول بر اساس مطالعه دیدگاه‌ها و نظریات موجود کلیه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر استخراج و جهت اعلام نظر کارشناسی و ... در اختیار خبرگان موضوع قرار گرفت. پس از تکمیل و دریافت نظرات ارایه شده، کلیه اطلاعات و نظرات مورد بازبینی قرار گرفت. نظرات نزدیک به هم و یا جزء و کل در هم ادغام و نظرات و دیدگاه‌های مشابه و تکراری حذف شد و چک لیست اولیه شامل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق تهیه و مجدداً در اختیار ۳۵ نفر از خبرگان قرار گرفت و از آنان درخواست شد نسبت به تعیین تناسب و اهمیت هر شاخص با درج نمره از ۱ تا ۵ نظرات خود را اعلام نمایند. در گام سوم نظرات ارایه شده گردآوری و در نرم افزار آماری spss جهت اقدامات بعدی تحقیق وارد شد. پس از بررسی اطلاعات گردآوری شده منتج از تحلیل آماری، شاخص‌های دارای میانگین پایین تر از حد نرمال حذف و چک لیست نهایی جهت اجرای گام چهارم تحقیق تهیه و در اختیار ۱۵ نفر از خبرگان قرار گرفت. نتیجه نهایی پس از تعیین اعتبار محتوا و پایایی در قالب پرسشنامه نهایی تهیه و مورد استفاده قرار گرفت.

در بخش کمی، از روش توصیفی، پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق در

بخش کمی، نیروی جنبشی تولید دانایی شهر بوده که شامل اساتید و کارکنان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، پژوهشی (همچون دانشگاه‌های کردستان، علوم پزشکی، آزاد اسلامی، پیام نور) استان کردستان بود. تعداد آنها بر اساس آخرین نتایج سرشماری ۱۴۷۵۱ نفر بوده است.

به منظور برآورد حجم نمونه از نرم افزار SPSS Sample Power ۳۰ استفاده شده است. با مدنظر قرار دادن حداکثر متغیرهای مستقل اثرگذار بر متغیرهای وابسته درگیر در مدل‌های رگرسیونی پژوهش و درصد خطای ۵٪ توان بالای ۸۰٪ و حجم اثر ۵٪ حجم نمونه تعداد ۳۸۵ نفر تعیین گردید. در تحلیل داده‌های آماری از نرم افزار آماری SPSS 24 و LISREL 8.8 استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه 150 سوالی بررسی رفتار دانشی شهروندان (بدست آمده از مرحله قبل) از دیدگاه مدیران، اساتید و کارکنان دانشگاه‌های مورد مطالعه بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل عاملی و مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱. تحلیل یافته‌های کیفی ناشی از نظر خبرگان

نتایج تحقیق در بخش کیفی و برآوردهای مربوط به اعتبار عاملی و پایایی ابزار بر اساس نظر خبرگان درباره مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق نشان داد با توجه به مقدار  $\chi^2/df$  (نسبت مجذور خی به درجه آزادی) محاسبه شده، جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) در مدل ارائه شده، میزان شاخص‌های AGFI، GFI، CFI و NFI داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس‌ها برآزش نسبتاً مناسبی داشته و این موضوع بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای سرمایه هویت، هوش، مالی، انسانی در هر دو بعد جمعی و فردی، رابطه‌ای و ابزاری بوده است. مقادیر برآورد شده مربوط به بارهای عاملی و واریانس تبیین شده ابعاد متغیرهای مذکور نشان داد که بارهای عاملی مربوط به همه

۳۰. این نرم‌افزار با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر حجم نمونه در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش‌های آماری تحلیل داده حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند.

معرف‌های ابعاد سرمایه در وضعیت مطلوبی قرار داشته و همبستگی " ابعاد سرمایه با معرف‌های آن ابعاد در حد متوسط به بالا برآورد شدند و در نتیجه ابزار سنجش این مؤلفه‌ها از اعتبار عملی برخوردار است. نتایج بدست آمده در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳. شاخص‌های برازش و اعتبار مدل و بارهای عاملی ابعاد سرمایه

مشخصه متغیر	( $\chi^2/df$ )	(RMSEA)	(GFI)	(AGFI)	(CFI)	(NFI)	بار عاملی
سرمایه هویت	۳/۴۹	۰/۰۸۴	۰/۹۰	۰/۸۶	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۶۶
سرمایه هوش	۳/۷۶	۰/۰۸۹	۰/۸۴	۰/۸۰	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۷۰
سرمایه مالی	۴/۲۳	۰/۰۷۹	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۷۵
سرمایه رابطه	۴/۲۲	۰/۰۸۹	۰/۹۲	۰/۸۷	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۷۸
سرمایه انسانی بعد فردی	۳/۵۴	۰/۰۸۵	۰/۸۰	۰/۷۶	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۷۹
سرمایه انسانی بعد جمعی	۳/۴۲	۰/۰۸۱	۰/۸۹	۰/۸۵	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۷۸
سرمایه ابزاری محسوس	۳/۳۵	۰/۰۸۱	۰/۹۰	۰/۸۶	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۷۳
سرمایه ابزاری نامحسوس	۳/۸۱	۰/۰۸۵	۰/۸۹	۰/۸۴	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۷۴

#### ۲-۴. تحلیل یافته‌های کمی ناشی از دیدگاه نمونه آماری مورد مطالعه

در بخش جمعیت‌شناختی، داده‌های بدست آمده نشان داد تعداد زنان شرکت‌کننده در پژوهش ۳۸ درصد (۱۵۱ نفر) و تعداد مردان ۵۷ درصد (۲۲۷) نفر و ۵ درصد (۱۹) نفر بدون پاسخ بود. بنابراین تعداد مردان در این پژوهش بیشتر از زنان بوده است. از نظر سن در بین نمونه‌های آماری تحقیق، پایین‌ترین سن ۲۲ و بالاترین ۶۴ سال گزارش گردید. به عبارتی پاسخگویان بین ۲۲ تا ۶۴ سالگی قرار داشته‌اند. از نظر

تحصیلات؛ فوق دیپلم ۰/۴، لیسانس ۰/۴۲، فوق لیسانس ۰/۳۱ و دکترا ۰/۱۸ را به خود اختصاص دادند. بنابراین می‌توان گفت که بیشترین درصد نمونه آماری تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس بوده‌اند.

از نظر شغلی نیز کارکنان و کارمندان نمونه ۰/۷۲،۸٪ (۲۸۹ نفر) کادر اداری و ۰/۲۷،۲٪ (۱۰۸ نفر) را مدرسان و هیات علمی به خود اختصاص داده‌اند.

در پاسخ به این سوال که مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان استان کردستان کدامند؟ نتایج ذیل به دست آمد:

در توصیف متغیرهای تحقیق جهت تعیین مؤلفه‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان ۱۹ مؤلفه مورد بررسی قرار گرفت. در این میان تعداد ۸ مؤلفه بعنوان مؤلفه‌های کلیدی در هر یک از ابعاد سرمایه مشخص شدند.

پیشینه تاریخی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه هویت با میانگین ۳/۶۸، یادگیری دائمی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه هوش با میانگین ۳/۵۹، شرایط اقتصادی و اجتماعی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه مالی با میانگین ۳/۴۲، تعامل داخلی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه رابطه با میانگین ۳/۵۸، توجه به سلامت و بهداشت فردی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه انسانی (فردی) با میانگین ۳/۶۷، مشارکت و فرهنگ جمعی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه انسانی (جمعی) با میانگین ۳/۵۲، تعهدات محیطی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه ابزاری ملموس با میانگین ۳/۶۴ و کارآفرینی به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه ابزاری ناملموس با میانگین ۳/۶۶ گزارش شده‌اند.

#### جدول ۴. مؤلفه‌های رفتار دانشی شهروندان از نظر نمونه مورد مطالعه

ابعاد	مؤلفه‌های کلیدی	میانگین	شاخص های کلیدی	بار عاملی	R2
سرمایه هویت	پیشینه تاریخی	۳/۶۸	آگاهی از حوادث و رویدادهای تاریخی شهر خود	۰/۷۴	۰/۵۴
	برجستگی شهر	۳/۶۵	آگاهی از وجه تمایز شهر خود با سایر شهرها	۰/۷۶	۰/۵۷
سرمایه ابزاری	یادگیری دائمی	۳/۵۹	داشتن دانش و سواد اطلاعاتی	۰/۷۷	۰/۵۹

ابعاد	مؤلفه‌های کلیدی	میانگین	شاخص های کلیدی	بار عاملی	R2
سرمایه مالی	شرایط اقتصادی	۳/۴۲	داشتن انگیزه تحقیق (محقق بودن)	۰/۷۵	%۵۷
			توانایی تجزیه و تحلیل اطلاعات	۰/۷۴	%۵۶
			شناخت جمعیت فعال اقتصادی و شاخص‌های فقر در شهر خود	۰/۷۹	%۶۳
			مشارکت در فعالیت های اقتصادی شهر خود	۰/۸۶	%۷۵
سرمایه ارتباطی	تعامل داخلی	۳/۵۸	آشنایی با تنوع قومی، مذهبی و طبقاتی شهر و تحمل تفاوت ها	۰/۸۰	%۶۴
			رفتار برابر با افراد سایر نژادها و قومیت‌ها در شهر	۰/۸۳	%۶۹
			داشتن آگاهی اجتماعی و روحیه مشارکت	۰/۸۵	%۷۲
			آشنایی با عناصر انسجام محلی، ملی و خانوادگی	۰/۷۹	%۶۳
	تعامل خارجی	۳/۲۶	آشنایی با اتحادیه های محلی، ملی و بین‌المللی شهر خود	۰/۸۴	%۷۰
			آگاهی از کمیت و کیفیت تبادل کالاها و خدمات شهر	۰/۹۱	%۸۴
			آگاهی از شاخص های سلامت عاطفی و بکارگیری آنها	۰/۸۵	%۷۲
			آگاهی از شاخص های محیط زندگی سالم و برخوردار بودن	۰/۸۶	%۷۳
سرمایه انسانی (بعد فردی)	سلامت/بهداشت	۳/۶۷	آگاهی از شاخص های سلامت اجتماعی و بکارگیری آنها	۰/۹۰	%۸۱
			آگاهی از شاخص های سلامت شغلی و بکارگیری آنها	۰/۸۵	%۷۲
			آگاهی از منافع و سودمندی توسعه	۰/۸۲	%۶۷
			فضای عمومی	۳/۵۶	

ابعاد	مؤلفه‌های کلیدی	میانگین	شاخص های کلیدی	بار عاملی	R2	
مهارت فردی	مهارت فردی	۳/۶۵	فضای عمومی			
			مشارکت در فعالیت های جمعی، فرهنگی و اقتصادی شهر خود	۰/۸۰	٪۶۴	
			شناخت مهارت‌های کار گروهی و استفاده مناسب از آنها	۰/۸۲	٪۶۷	
			شناخت مهارت‌های زندگی و استفاده مناسب از آنها	۰/۸۹	٪۸۰	
			داشتن توانایی کنترل هیجانات، شناسایی و ابراز احساسات خود	۰/۸۰	٪۶۴	
	داشتن مهارت خود انگیزی و استفاده مناسب از آنها	۰/۸۳	٪۶۸			
	دانش فردی	۳/۵۸		دسترسی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مورد نیاز	۰/۸۱	٪۶۵
				توانایی مدیریت اطلاعات و اشتراک دانش	۰/۷۸	٪۶۰
				برخورداری از مزایای دسترسی برابر به امکانات	۰/۸۰	٪۶۳
				شناخت عوامل گرایش به اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی	۰/۸۱	٪۶۵
آگاهی از عوامل مربوط به رفاه اجتماعی شهر خود				۰/۸۱	٪۶۶	
بهداشت عمومی	بهداشت عمومی	۳/۵۱	مشارکت در اجتماعات محلی، خانوادگی و شغلی شهر خود	۰/۸۰	٪۶۵	
			آگاهی از سرویس توسعه شبکه‌های اجتماعی (سمن ها و ...)	۰/۸۱	٪۶۶	
	ظرفیت تکاملی	۳/۴۷		آشنایی با شبکه های اجتماعی شهر خود و توانایی استفاده آنها	۰/۸۰	٪۶۴
				توانایی تسهیم اطلاعات، عقاید و احساسات خود با دیگران	۰/۷۹	٪۶۳
				استفاده از توانایی‌ها و شایستگی‌های دیگران	۰/۸۲	٪۶۸
فرهنگ جمعی	۳/۵۲					

سرمایه انسانی (بعد جمعی)

ابعاد	مؤلفه‌های کلیدی	میانگین	شاخص های کلیدی	بار عاملی	R2
سرمایه انباری (بعد ملموس)			مشارکت در انتقال میراث دانش شهری به دیگران	۰/۸۴	٪۷۱
	شفافیت	۳/۶۰	آگاهی از رفتارهای مشکل دار و فسادآور	۰/۸۳	٪۶۸
			آگاهی از تاثیر رفتارهای مشکل دار - فسادآور در جامعه	۰/۸۶	٪۷۵
			تقبیح کردن رفتارهای مخرب و فسادآور در شهر خود	۰/۸۳	٪۶۸
	تعهدات محیطی	۳/۶۴	آگاهی از شکل‌های مختلف انرژی و استفاده مناسب از آنها	۰/۸۶	٪۷۳
			آشنایی با سودمندی‌های بازیافت و بکارگیری آنها	۰/۸۶	٪۷۴
			کمک به حفظ محیط زیست شهر خود	۰/۸۰	٪۶۴
زیرساخت شهری	۳/۵۴	آگاهی از شبکه‌های ارتباطی و رفاهی و استفاده بهینه از آنها	۰/۸۴	٪۷۱	
		آگاهی از زیرساخت‌های تولیدی و استفاده بهینه از آنها	۰/۸۳	٪۶۹	
سرمایه انباری (بعد ناملموس)	آموزش و توسعه	۳/۶۰	توانایی استفاده از ابزارهای الکترونیک و جستجوی اطلاعات	۰/۷۸	٪۶۱
	خلاقیت و نوآوری	۳/۵۱	توانایی بکارگیری نتایج فعالیت افراد خلاق، محققین و نوآور	۰/۷۸	٪۶۱
	کارآفرینی	۳/۶۶	آگاهی از رفتارهای کارآفرینانه و بکارگیری آنها	۰/۷۸	٪۶۱

در توصیف متغیرهای تحقیق جهت تعیین شاخص های کلیدی رفتار دانشی شهروندان ۱۳۵ شاخص مورد بررسی قرار گرفت. در این میان تعداد ۳۰ شاخص به عنوان شاخص‌های کلیدی مشخص شدند (جدول شماره ۴).

در پاسخ به این سوال که اولویت مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان استان کردستان کدامند؟ نتایج تحقیق نشان داد:

اولویت مؤلفه‌های کلیدی رفتار دانشی افراد گروه نمونه به ترتیب از بالاترین به

پایین‌ترین عبارتند از: پیشینه تاریخی با میانگین (۳/۶۸) به عنوان مؤلفه بعد سرمایه هویت، سلامت و بهداشت فردی با میانگین (۳/۶۷) به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه انسانی (بعد فردی)، کارآفرینی با میانگین (۳/۶۶) به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه ابزاری (ناملموس)، مهارت فردی با میانگین (۳/۶۵) به عنوان مؤلفه کلیدی انسانی (بعد فردی) به و برجستگی شهر با میانگین (۳/۶۵) به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه هویت به ترتیب به عنوان ۵ مؤلفه اول در رفتار دانشی شهروندان گزارش شده‌اند و تعامل خارجی با میانگین (۳/۲۶) و شرایط اقتصادی و اجتماعی با میانگین (۳/۴۲) به عنوان مؤلفه‌هایی با اولویت پایین تر گزارش شده‌اند.

و از میان ۱۳۵ شاخص رفتاری، اولویت کلیدی شاخص‌های رفتار دانشی شهروندان استان کردستان عبارتند از: آگاهی از کمیت و کیفیت تبادل کالا و خدمات شهر با ۸۴ درصد، آگاهی از شاخص‌های سلامت اجتماعی و به کارگیری آن‌ها با ۸۱ درصد، شناخت مهارت‌های زندگی و استفاده مناسب از آنها با ۸۰ درصد، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی شهر و همچنین آگاهی از رفتارهای مشکل آفرین و فسادآور در جامعه با ۷۵ درصد، آشنایی با سودمندی‌های بازیافت و به کارگیری آن‌ها با ۷۴ درصد و... جزو اولویت‌های رفتار دانشی شهروندان از نگاه جامعه مورد مطالعه گزارش شده است در حالی که دور بودن از دغدغه‌های حداقل هزینه‌های زندگی با ۳۵ درصد، شناخت خورد و خوراک‌های محلی شهر خود با ۳۴ درصد، آگاهی نسبت به چشم انداز شهر با ۳۳ درصد و آگاهی از توان رقابتی شهر خود با سایر شهرها با ۳۲ درصد در اولویت‌های پایین‌تری قرار دارند.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق ۸ سرمایه اصلی شهر به منظور تعیین میزان آگاهی شهروندان از این سرمایه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد میزان آگاهی شهروندان استان کردستان از این سرمایه‌ها در سطح متوسط قرار دارد. فلذا یادگیری شاخص‌های رفتار دانشی شهروندی از سوی جامعه مورد مطالعه ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر میزان اهمیت شاخص‌ها و مؤلفه‌های رفتار دانشی شهروندان



از سوی نمونه آماری، مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفت و بر اساس آن مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی و اولویت هر کدام از آنها بررسی شد.

در مجموع نتایج این تحقیق ۸ مؤلفه کلیدی رفتار شهروندی را در سیستم سرمایه تبیین نمود که عبارت بودند از «پیشینه تاریخی، یادگیری مستمر، شرایط اقتصادی و اجتماعی، تعامل داخلی، سلامت و بهداشت فردی، مشارکت، تعهدات محیطی و کارآفرینی».

در بحث پیشینه تاریخی و برجستگی شهر، برخلاف برنامه‌ریزی‌های تصنعی صورت گرفته برای هر شهر، جزء صلاحیت‌ها و شایستگی‌های شهر به حساب می‌آیند و شهروندان هر شهر در فرایند یادگیری رفتار دانشی باید آن‌ها را به عنوان مؤلفه‌های کلیدی مورد توجه قرار دهند. یافته‌های تحقیق حاضر به اهمیت این موضوع صحنه گذاشت که با نتایج تحقیق نواکوفسکی (۲۰۰۹) و همچنین نتایج تحقیق خوارزمی و ربانی امیرفضلی (۱۳۹۳) در خصوص نقش برجستگی شهر در ایجاد و توسعه شهر دانش محور و همچنین تحقیق ماجدی (۱۳۹۴) همخوانی داشت.

سرمایه هوش که با مؤلفه کلیدی یادگیری مستمر مورد بررسی قرار گرفت، از سوی نمونه آماری بالاتر از سطح میانگین گزارش شده است. این موضوع به عنوان یک مؤلفه کلیدی در رفتار دانشی شهروندان نیز در نتایج تحقیق هوسپرز (۲۰۰۳) مورد تاکید قرار گرفته و با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. براساس نتایج تحقیق هوسپرز، یادگیری در جوامع دانش محور فعلی از طریق گزینه‌های مختلف و شناسایی ضمنی و مفهومی دانش، استراتژی‌های جدید و وجود شیوه‌های مختلف آموزش، شبکه سازی و خلق جوامع کاربردی امکان پذیر است. پنکو (۲۰۱۱) با تاکید بر عامل یادگیری دائمی و توسعه استعداد شهروند دانشی، تاثیر این مؤلفه را در رفتار دانشی شهروند مورد تاکید قرار داده است. همچنین نتایج تحقیق حاضر در خصوص مؤلفه کلیدی یادگیری مستمر، با نتایج تحقیقات گونزالس و ویلهلمی (۲۰۱۳)، گارسایا و مارتینز (۲۰۱۳)، نوانبخش و ثابتی (۱۳۹۴)، خوارزمی و ربانی امیرفضلی (۱۳۹۳) و صمدیان و کرکه آبادی (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

راحت‌ترین راهی که یک شهروند می‌تواند سرمایه فکری را اساس کار قرار دهد،

رعایت بهداشت فردی است. نتایج تحقیق اورنلاس و دیگران (۲۰۰۳) با تاکید بر نقش بهداشت و سلامت بر کاهش فقر و توسعه اقتصادی، افراد سالم‌تر را مولدتر و منعکس کننده دستمزدهای بهتر و در نهایت توسعه و رشد اقتصادی می‌دانند. یادگیری رفتار دانشی که منجر به توسعه شرایط اقتصادی شهروندان می‌گردد و همچنین از سوی کلیکس برگ (۲۰۰۶) نیز مورد تایید قرار گرفته است. از نظر وی یک شهروند دانشی می‌تواند از طریق توجه به شاخص‌هایی همچون سلامت بهداشت روان، تحمل و تنوع ... در توسعه سرمایه مالی شهر نقش قابل توجهی داشته باشد (کلیکس برگ، ۲۰۰۶، به نقل از گونزالس، ۲۰۱۲). این موضوع در واقع با نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر در خصوص مؤلفه های سرمایه مالی همخوانی دارد.

نتایج تحقیق در خصوص مؤلفه‌های کلیدی بعد سرمایه رابطه، دو مؤلفه «تعامل با عاملین داخلی شهر» را با میانگین ۳،۵۸ و «تعامل با عاملین خارجی شهر» را با میانگین ۳،۲۶ گزارش نموده است. این مؤلفه‌ها که عواملی همچون تحمل تنوع، پیوستگی اجتماعی و برابری جنسیتی را در دو سطح تعامل داخل و خارج شهر می‌سنجد در تحقیقات گارسیابالانکا و مارتینز (۲۰۱۵) نیز مورد تایید قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق آنها شاخص‌هایی همچون ارتباطات، تحمل و همبستگی در دو سطح داخلی و خارجی، به عنوان مهم‌ترین و موثرترین ویژگی‌های شهروندان دانشی معرفی کرده‌اند و این موضوع با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. همچنین در تحقیقات مارتینز (۲۰۰۶) کاریلو (۲۰۰۶)، دوایر، پاشر و گولدربرگ (۲۰۰۶)، فلوریدا (۲۰۰۷)، پنکو (۲۰۱۱)، تحمل تنوع، همبستگی و همکاری به عنوان ویژگی‌ها و خصیصه‌های مورد حمایت جامعه مور تاکید قرار گرفته است که نتایج این تحقیق را مورد تایید قرار می‌دهند.

سرمایه انسانی به عنوان یکی از ابعاد موثر در سرمایه شهر، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. بیکر (۱۹۶۴) سرمایه انسانی را پایدارترین و تجدیدپذیرترین سرمایه معرفی می‌کند. کاریلو (۲۰۱۰) سرمایه انسانی را در دو بعد فردی و اجتماعی همراه با عناصر تاثیر گذار در هر کدام را مورد بررسی قرار داده است که با نتایج به دست آمده در این تحقیق همخوانی دارد. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد در بعد

سرمایه انسانی (فردی) متغیر «سلامت و بهداشت فردی» با میانگین ۳,۶۷ به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی گزارش شده است. کاریلو (۲۰۰۶) سلامت و بهداشت را به عنوان یکی از ویژگی‌ها و خصیصه‌های مورد حمایت جامعه مورد بررسی و تاکید قرار داده است. گارسیا و مارتینز (۲۰۱۳) نیز در تحقیقات خود سلامت و بهداشت فردی را به عنوان یک عامل اثرگذار در رفتار شهروندی مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین می‌توان گفت نتایج تحقیق حاضر در خصوص توجه به مؤلفه «سلامت و بهداشت فردی» به عنوان مؤلفه کلیدی با نتایج تحقیقات گونزالس و ویلهلمی (۲۰۱۲)، خلیفه (۱۳۹۰) و ویسی، زرنیدیان و اردوان (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

«مشارکت و توجه به فرهنگ جمعی» به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتار دانشی شهروندان مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع با عنوان «تمایل به یادگیری رفتار مشارکتی» توسط شهروندان با نتایج تحقیقات رمی (۱۹۸۰)، ارگازاکیس و ساراس (۲۰۰۶)، یاگیت کانلار و سارمین (۲۰۰۲)، گونزالس و ویلهلمی (۲۰۱۲)، گارسیا و مارتینز (۲۰۱۳، ۲۰۱۵)، اسکولز و همکاران (۲۰۱۶)، بائود پفی فر، جان استریکر و اسکات (۲۰۱۱)، صمیمیان و کرکه‌آبادی (۱۳۹۳) و نوابخش و ثابتی (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

گارسیا (۲۰۰۶) سرمایه‌گذاری روی سرمایه‌گذاری را برای دستیابی به پایداری ضروری می‌داند. سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه شهر در دلبخش ملموس و غیر ملموس در این تحقیق نیز مورد توجه قرار گرفته است که در یادگیری رفتار دانشی شهروندان اهمیت خاصی دارد.

مؤلفه تعهدات محیطی به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی در بعد سرمایه‌گذاری ملموس، موضوعاتی همچون آگاهی از شکل‌های مختلف انرژی، سودمندی‌های بازیافت، حفظ محیط زیست و ... را در رفتار دانشی شهروندان مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. این مؤلفه کلیدی در تحقیقات فریدمن (۱۹۹۸، ۲۰۰۵) در خصوص توجه به مشکلات اجتماعی و زیست محیطی در پارادایم توسعه و نقش شهروندان در این زمینه، (متاکسیاتیس، کاریلو و ایگیت کانلار، ۲۰۱۰) در خصوص توجه به مسائل زیست محیطی، الزام با سازگاری و دوستی با محیط زیست، گارسیا و مارتینز (۲۰۱۵) در

خصوص ضرورت داشتن سواد زیست محیطی، انرژی و محیط زیست و چرخه مواد و فهم و درک فرایند گردآوری منابع در چرخه طبیعت با نتایج این تحقیق همخوانی دارد و این نتایج را مورد تایید قرار می‌دهند اما یافته‌های تحقیق ویسی و زرن‌دیان (۱۳۹۱) نتایج این تحقیق را تایید نکردند.

خلاقیت و نوآوری به عنوان یک مؤلفه کلیدی دیگر در رفتار دانشی شهروندان قابل بحث و بررسی است. یافته‌های تحقیق حاضر با یافته‌های تحقیقات رمی (۱۹۸۰)، هوسپرز (۲۰۰۳)، ارگازاکیس و ساراس (۲۰۰۶)، گارسیا و مارتینز (۲۰۱۳)، اسکولز و همکاران (۲۰۱۶)، خلیفه (۱۳۹۰) و خوارزمی، ربانی و امیرفضلی (۱۳۹۳) در خصوص نقش و اهمیت خلاقیت در توسعه شهر و همچنین یادگیری رفتارهای خلاق همخوانی دارد.

در ذیل هر کدام از مؤلفه‌های کلیدی، شاخص‌های رفتار دانشی شهروندان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد هر کدام از این شاخص‌های رفتار دانشی و یادگیری آن‌ها چه جایگاهی می‌توانند در توسعه دانشی شهر داشته باشد. اهمیت هر کدام از این شاخص‌ها را می‌توان در مطالعات سایر محققان نیز مورد بررسی قرار داد.

ایگیت کانلار (۲۰۱۰) مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را عاملی اساسی در توسعه دانش محور می‌داند و همین موضوع در نتایج تحقیقات نبی‌پور (۱۳۹۰) مورد توجه قرار گرفته است. گارسیا و مارتینز (۲۰۱۳) ارگازاکیس و ساراس (۲۰۰۴) نقش شهروندان و مشارکت آنان در توسعه اقتصادی شهر را مورد تایید قرار داده‌اند که با نتایج این تحقیق نیز همخوانی دارد.

بدون تردید سلامت و توسعه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و برخورداری از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی از حقوق مسلم فردی و اجتماعی است و داشتن جسم و روح سالم یکی از زیربناهای مهم توسعه همه جانبه هر جامعه ای راتشکیل می‌دهد. همچنین بهداشت و سلامت فردی و شاخص‌های مربوط به آن به عنوان یکی از مهم‌ترین پارامترهای مؤثر در عملکرد نیروی انسانی در ارتقای سطح اقتصادی یک کشور به حساب می‌آید. این موضوع از نگاه نمونه آماری مورد مطالعه این تحقیق نیز بدور نمانده است. یافته‌های تحقیق حاضر، آگاهی از شاخص‌های سلامت اجتماعی، شناخت مهارت‌های زندگی، آگاهی از شاخص‌های محیط زندگی سالم، آگاهی از

شاخص‌های سلامت عاطفی و آگاهی از شاخص‌های سلامت شغلی را مورد تایید قرار داده است. این نتایج با یافته‌های تحقیق ربیعی، حیدری، شریعت بهادری و کنی (۱۳۹۲) نیز همخوانی دارد.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر، یکی دیگر از شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان، آگاهی از کمیت و کیفیت تبادل اطلاعات است. سهولت دسترسی به اطلاعات و تبادل آن به عنوان یکی از شاخص‌های تعیین کننده توسعه شناخته شده است. این موضوع در نتایج تحقیقات رمی (۱۹۸۰)، ارگازاکیس و ساراس (۲۰۰۶)، ایگیت کانلار و سارمین (۲۰۱۲)، گونزالس و ویلهلمی (۲۰۱۲)، گارسیا و مارتینز (۲۰۱۳)، اسکولز و همکاران (۲۰۱۶)، پفی فر، استریکر و اسکات (۲۰۱۱)، صمیمیان و کرکه‌آبادی (۱۳۹۳) و نوابخش و ثابتی (۱۳۹۴) مورد تایید قرار گرفته و با نتایج این تحقیق نیز همخوانی دارد.

مدیریت پسماند، علاوه بر نقش موثر آن در چرخه اقتصادی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه، در سطح کلان مطرح می‌باشد. بازیافت و استفاده مجدد، استخراج از منابع، و معادن طبیعی و دفع بی‌رویه‌ی آلاینده‌ها را در محیط تقلیل می‌دهد و منابع اقتصادی و حفاظت از محیط زیست را به دنبال خواهد داشت. توجه به این شاخص از سوی شهروندان می‌تواند نقش قابل توجهی در روند توسعه شهری داشته باشد. این موضوع نه تنها در یافته‌های تحقیقات گارسیا و مارتینز (۲۰۱۵)، جان استریکر و اسکات (۲۰۱۱)، ایگیت کانلار و سارمین (۲۰۱۲) تقی‌زاده، ذاکری و تقی‌زاده (۱۳۹۱) می‌توان دید بلکه با نتایج تحقیق حاضر نیز همخوانی دارد. همچنین آگاهی از شکل‌های مختلف انرژی در این تحقیق از سوی جامعه آماری مورد مطالعه به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های رفتار دانشی شهروندان مورد توجه قرار گرفته است.

«مشارکت» به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار در رفتار دانشی شهروندان مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع با عنوان «تمایل به یادگیری رفتار مشارکتی» توسط شهروندان با نتایج تحقیقات رمی (۱۹۸۰)، ارگازاکیس و ساراس (۲۰۰۶)، ایگیت کانلار و سارمین (۲۰۰۲)، گونزالس و ویلهلمی (۲۰۱۲)، گارسیا و مارتینز (۲۰۱۳)، اسکولز و همکاران (۲۰۱۶)، پفی فر، جان استریکر و اسکات (۲۰۱۱)، صمیمیان و

کرکه‌آبادی (۱۳۹۳) و نوابخش و ثابتی (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر می‌توان اولویت مؤلفه‌های کلیدی رفتار دانشی افراد گروه نمونه را به ترتیب از بالاترین به پایین‌ترین به صورت زیر مشخص نمود: شناخت پیشینه تاریخی شهر با میانگین (۳/۶۸) به عنوان مؤلفه بعد سرمایه هویت، سلامت و بهداشت فردی با میانگین (۳/۶۷) به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه انسانی (بعد فردی)، کارآفرینی با میانگین (۳/۶۶) به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه ابزاری (ناملموس)، مهارت فردی با میانگین (۳/۶۵) به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه انسانی (بعد فردی) به و برجستگی شهر با میانگین (۳/۶۵) به عنوان مؤلفه کلیدی سرمایه هویت به ترتیب به عنوان ۵ مؤلفه اول در رفتار دانشی شهروندان گزارش شده اند و تعامل خارجی با میانگین (۳/۲۶) و شرایط اقتصادی و اجتماعی با میانگین (۳/۴۲) به عنوان مؤلفه‌هایی با اولویت پایین‌تر گزارش شده‌اند. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده از این مطالعه اولویت شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندان به شکل زیر تبیین شده است:

بیشترین وارپانس تبیین شده از میان ۱۳۵ شاخص رفتاری، مربوط به آگاهی از کمیت و کیفیت تبادل کالا و خدمات شهر با ۸۴ درصد، آگاهی از شاخص‌های سلامت اجتماعی و بکارگیری آن‌ها با ۸۱ درصد، شناخت مهارت‌های زندگی و استفاده مناسب از آن‌ها با ۸۰ درصد، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی شهر و همچنین آگاهی از رفتارهای مشکل‌آفرین و فسادآور در جامعه با ۷۵ درصد، آشنایی با سودمندی‌های بازیافت و بکارگیری آنها با ۷۴ درصد، آگاهی از شاخص‌های محیط زندگی سالم و برخورداری از آنها با ۷۳ درصد آگاهی از شکل‌های مختلف انرژی و استفاده مناسب از آن‌ها با ۷۳ درصد، داشتن آگاهی اجتماعی و روحیه مشارکت با ۷۲ درصد و آگاهی از شاخص‌های سلامت عاطفی و شغلی و بهره‌گیری از آن‌ها با ۷۲ درصد به عنوان ده اولویت شاخص‌های رفتار دانشی شهروندان از نگاه جامعه مورد مطالعه گزارش شده است در حالی که دور بودن از دغدغه‌های حداقل هزینه‌های زندگی با ۳۵ درصد، شناخت خورد و خوراک‌های محلی شهر خود با ۳۴ درصد، آگاهی نسبت به چشم انداز شهر با ۳۳ درصد و آگاهی از توان رقابتی شهر خود با سایر شهرها با ۳۲ درصد از

اولویت‌های پایین رفتار دانشی شهروندان از نگاه جامعه مورد مطالعه بوده است. در خاتمه می‌توان گفت، برای بهره‌گیری از توان مشارکت مردم در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز باید قبل از هر اقدامی، رفتار دانشی شهروندان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و بر اساس میزان بلوغ دانشی شهروندان هر شهر برنامه‌های مشارکت آنان در فعالیت‌های مختلف شهر طراحی و اجرا گردد. ضمن اینکه درک هر کدام از شهروندان از شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد توجه در رفتار دانشی شهروندی و همچنین متاثر از فرهنگ بومی هر منطقه متفاوت است.

همچنین ضرورت دارد، در بهره‌گیری از توان و ظرفیت مشارکت‌های مردمی در هر یک از حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به منظور مبارزه با قاچاق کالا و ارز جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. چرا که بر اساس نتایج تحقیق به نظر می‌رسد بیشترین قابلیت بهره‌گیری از توان مشارکت‌ها در حوزه فرهنگی، اجتماعی بوده و باید در قالب برنامه‌های پیشگیرانه صورت پذیرد که این موضوع نیازمند تحقیق و بررسی علمی است.

## منابع

## فارسی

- بیکر، جی. اس. (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و مدیریت، ترجمه مهدی الوانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تقی‌زاده، محمد؛ ذاکری، عاطفه و تقی‌زاده، احمد (۱۳۹۱) «بررسی میزان آمادگی کلان شهرها جهت تحقق شهر دانش مدار با تاکید بر زیرساخت‌های شهری» (مطالعه موردی: شهر مشهد). چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت. مشهد.
- خلیفه، قدرت‌الله (۱۳۹۰). بررسی مهارت‌ها و اولویت‌های شهروندی مورد نیاز دانش آموزان مقطع متوسطه. اولین همایش ملی آموزش. ایران، تهران
- خوارزمی، امیدعلی و ربانی امیرفضلی، خوارزمی (۱۳۹۳). رویکرد توسعه شهری دانش محور مبتنی بر فناوری اطلاعات. اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار. تهران.
- ربیعی، مهناز؛ حیدری، سمیه؛ شریعت بهادری مینا و صدیقه و کنی (۱۳۹۲). تأثیر شاخص‌های سلامت بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. مجله اقتصادی. ش. ۷ و ۸.
- صمیمیان، مهدی و کرکه‌آبادی، زینب (۱۳۹۳). بررسی نقش شهر شهروند مدار در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر سمنان). اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار. تهران.
- قوامی‌فر، عاطفه و بیگ، لیلا (۱۳۸۷). ارزیابی مدل استراتژیک مدیریت دانش در ایجاد و توسعه شهرهای دانش بنیان. ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت. تهران.
- کیانی، اکبر؛ خدارحم بزی و علی اسماعیل‌زاده (۱۳۸۹). بررسی جایگاه توسعه پایدار در توسعه دانش بنیان شهری. نخستین همایش توسعه شهری پایدار. تهران.
- ماجدی، حمید (۱۳۹۴). نظریه شهر تعالی. فصلنامه هویت شهر. دوره ۹، شماره ۲۴، صفحه ۱۷-۲۲.
- نبی‌پور، ایرج (۱۳۹۰). شهر دانایی. بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی.
- نوابخش، مهرداد و ثابتی، مریم (۱۳۹۴). طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تأثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد توسعه پایدار شهری با تأکید بر انرژی‌های پاک. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران. (۸) ۱: ۳۷-۵۰.
- ویسی، هادی؛ زرنیدیان، اردوان (۱۳۹۱). ارزیابی سطح آگاه و دانش شهروندان از محیط زیست



(مطالعه موردی اصناف و مدیران تجاری منطقه ۱۲ شهرداری تهران). فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار. ۱(۱): ۳۵-۴۲.

### لاتین

Baud, isa; pfeffer, Karin; sydenstricker, john; scott, Dianne(2011).**knowledge models in metropolitan governance networks for sustainable development: literature review**.Germany: EADI.

Carillo ,Francisco Javier(2010).**Knowledge Cities: Approaches, Experiences and Perspectives**, Oxford: Butterworth-Heinemann.

Carrillo, F. J. (2006). Knowledge Cities. Approaches, Experiences and Perspectives. Burlington, MA: Butterworth-Heinemann (Elsevier).

Dvir, R and Pasher, E (2004) Innovative engines for knowledge cities: an innovation ecology perspective. **Journal of Knowledge Management** 8(5), 16-27.

Dvir, R. (2006) 'Knowledge city, seen as a collage of human knowledge moments', in Carrillo, F.J. (Ed.) (2006): Knowledge Cities. Approaches, Experiences and Perspectives, Butterworth-Heinemann (Elsevier), Burlington, MA.

Ergazakis, Kostas, Kostas Metaxiotis and John Psarras (2004),Towards knowledge cities: conceptual analysis and succes stories. **Journal of Knowledge Management**.(8).5 . pp., 5-15.

Ergazakis,K, Kostas Metaxiotis and John Psarras. (2006). 'An Emerging Pattern of Succesful Knowledge Cities: Main Features' in Francisco Javier Carillo (ed.), **Knowledge Cities: Approaches, Experiences and Perspectives**: Oxford: Butterworth-Heinemann, pp. 3-16.

Florida, R (2005) **The Flight of the Creative Class: The New Global Competition for Talent**. London: Harper Collins.

Friedmann, J. (1998). Planning theory revisited. **Journal of European Planning Studies**,6(3),245-54.

Friedmann, J. (2005). Planning cultures in transition. **In Sanyal and Bishwapriya** (Eds.) Comparative

Garcia Blanca C. and Martinez America(2013). Knowledge-based citizenship: social capitals Perspective. **proceeding of IFKAD**. Zagreb. Croati. 12-24 June.

Garcia Blanca C. and Martinez America(2015).Knowledge-based citizenship: a capitals system Perspective. **Int. J. Knowledge-Based Development**. 6(2)..pp. 152-174.

Garcia, Blanca C. (2006). "Univercities: Innovation and Social Capital in Greater Manchester" in Carrillo,F. J. (2006). (Ed). Knowledge Cities. Approaches, Experiences and Perspectives. Burlington: Butterworth-Heinemann, Elsevier.

Goldberg ,Michal , Pasher ,Edna and Maya Levin-Sagi, (2006) "Citizen participation in decision-making processes: knowledge sharing in knowledge cities". **Journal of Knowledge Management**, Vol. 10

Gonzales,Octavio., Wilhelmy, Rodolfo., Cavazos, Santiago and Martinez, American(2012). In Yagitconlare, Tan; Metaxiotis, Kostas; Javier, Francisco. **Building prosperous knowledge cities: Policies, Plans and Metrics**.(pp. 111-131). UK: Edvard Elgar.

Gonzalez, M., Alvarado, J., and Martinez, S. (2005). A compilation of resources on knowledge cities and knowledge-based development. **Journal of Knowledge Management**. 8(5), 107-127.

Hospers, G. J. (2003). Creative cities in Europe: urban competitiveness in the knowledge economy. **Intereconomics**, 38(5), 260-269.

Isin, N.F. and Nyers, P. (Eds.) (2014) **Routledge Handbook of Global Citizenship Studies**. Routledge International, New Jersey.

Longworth, norman(2003). **Lifelong Learning in Action: Transforming Education in the 21st Century**. London: Routledge

Malakzadeh, Ali, Yigitcanlar, Tan, Bunker, Jonathan M., & Dur , Fatih (2010). **Evaluation of accessibility for knowledge based cities. In:Proceedings of The 3rd Knowledge Cities World Summit : From Theory to Practice. 16 - 19**. Melbourne Convention and Exhibition Centre, Melbourne, Vic.

Martinez, A. (2006). "Knowledge Citizens: a Competence Profile" in Carrillo, F. J. (2006).(Ed).Knowledge Cities. Approaches, Experiences and Perspectives. Burlington, MA: Butterworth-Heinemann (Elsevier).

Metaxiotis, K., Carrillo, J. and Yigitcanlar, T., (Eds.) (2010). **Knowledge-based development for cities and societies: an integrated multi-level approach**. Hersey, PA: Information Science Reference.

Novakowski, Nick(2010). Ottawa: the knowledge city and a labyrinth of obstacles. **GeoJournal** (2010) 75: 553–565

Ornelas, Arreola and et. al(2003).The Social Protection System in Health From Mexico: Potential Effects Above Financial Justice And Catastrophic household expenditure. Knaul FM, Nigenda G (Eds.).Caleidoscopio de la Salud. De la Investigación a las Políticas y d.

Patricia Ordóñez de Pablos, (2003) "Intellectual capital reporting in Spain: a comparative view", **Journal of Intellectual Capital**. (4): 1, pp.61-81.

Penco, Lara. Large Cities, Intangible Consumption and Knowledge Production. **Symphonya. Emerging Issues in Management** (symphonya.unimib.it). n.(2) 2011, pp. 34-47

Remy, Richard C. (1980) . **Handbook of Basic Citizenship Competencies: Guidelines for Comparing Materials, Assessing Instruction and Setting Goals**. UK: Assn for Supervision & Curriculum.

Sarimin, Muna & Yigitcanlar, Tan (2012) Towards a comprehensive and integrated knowledge-based urban development model : status quo and directions. **International Journal of Knowledge-Based Development**. 3(2), pp. 175-192.

Schulz, W., Ainley, J., Fraillon, J., Losito, B., Agrusti, G.(2016). **IEA International Civic and Citizenship Education Study:Civic and Citizenship Framework**. Springer International Publishing.

Smith, HA and McKeen, D.(2003). **Instilling a knowledge-sharing culture**.Kingston: Queens University School of Business.

Sutton ,Melanie (2008). Knowledge citizenship for active informed citizenship. **Information citizenship**.10(4).

**The Most Admired Knowledge City: MAKCI**. (2013). Melbourn: The World Capital Inestitute and Teleos.

Van Winden ,Willem ; Van den Berg ,Leo ; Pol ,Peter (2007). European Cities in the Knowledge Economy: Towards a Typology. **Urban Stud** . vol. 44(3): 525-549

Yigitcanlar, Tan (2010) Knowledgebased development of cities : a myth or reality? Proceedings of REvive MTY forum.

Yigitcanlar, Tan (2013) Sustainable knowledge community precincts : lessons from global best practices. In Schuima, Giovanni, Spender, JC,& Pulic, Ante (Eds.) IFKAD . **Proceedings, University of Zagreb, Zagreb, Croatia**, pp. 1-2079.





پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ